

بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی

محمد جواد اسکندری

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره گرایش مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبائی تهران، m_j13681111@yahoo.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ی متوسطه دبیرستان های شهر ماسال می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان سوم دبیرستان های شهر ماسال در سال تحصیلی ۱۳۹۵ تشکیل می دهند. حجم نمونه مورد پژوهش تعداد ۳۰۰ نفر دانش آموز (۱۵۰ پسر و ۱۵۰ دختر) می باشد که با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای براساس جدول مورگان انتخاب شده اند. این بررسی به روش توصیفی از نوع همبستگی صورت گرفته است. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه راهبردهای انگیزشی در یادگیری (MSLQ) پینترچ و دی گروت و پیشرفت تحصیلی از طریق معدل کتبی (نهایی سوم) تراز شده، انجام شده است و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با ضریب تعیین $P=0.06$ با توجه به مقدار $p=0.001$ اثر معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را دارد.

واژه های کلیدی

راهبردهای انگیزشی در یادگیری - راهبردهای یادگیری خودتنظیمی - باورهای انگیزشی - پیشرفت تحصیلی

مقدمه

پیشرفت تحصیلی و عوامل موثر بر آن سال ها است که مورد توجه متخصصان آموزش و پرورش قرار گرفته است، عوامل زیادی وجود دارد که با پیشرفت تحصیلی مرتبط می باشند که از آن جمله می توان به راهبردهای خود تنظیمی و باورهای انگیزشی اشاره کرد. نگرش هر فرد درباره خود می تواند زمینه موفقیت تحصیلی و اجتماعی او را فراهم کند و هم زمان نیز به وسیله آن متاثر شود. هم چنین بین نگرش و یادگیری تعامل وجود دارد، یادگیری می تواند بر نگرش ها و نگرش ها می تواند بر روی یادگیری اثرگذار باشند (اعظمی رضائی نسب، ۱۳۸۹). برای محققان تعلیم و تربیت مهم این است که چه عواملی بر انگیزه و نگرش انسان تاثیر اساسی می گذارد. چرا بعضی از دانش آموزان مشتاقانه به تکالیف آموزشی روی می آورند و در انجام تکالیف محوله از خود سخت کوشی نشان می دهند. حال آن که تلاش برخی تنها برای اجتناب از شکست است. (امینی زرار، ۱۳۸۷).

در طی سالیان گذشته تغییر قابل توجهی در مطالعه انگیزش رخ داده است که این تغییر منجر به درک روشن تر مفهوم انگیزش و یافته های قابل تکرار مرتبط با تعلیم و تربیت گردیده است. شناخت و عاطفه به عنوان دو مولفه ی اساسی یادگیری همواره از طرف روان شناسان تربیتی و مربیان مورد تاکید قرار گرفته است و شناخت در برگیرنده ی پاره ای از توانایی ها و اعمال ذهنی از قبیل دانش، درک کردن، تشخیص دادن، تفکر، قضاوت و استدلال می باشد. عاطفه بیشتر با مسائلی از قبیل انگیزش، هیجان، نگرش، ارزش گذاری و نظایر این ها در ارتباط می باشد.

براساس نظریه های جدید مانند یادگیری خود تنظیمی، مولفه های شناخت و انگیزش به صورت یک مجموعه در هم تنیده و مربوط به هم در نظر گرفته می شود. چهارچوب این نظریه ها بر این استوار است که دانش آموزان چگونه از نظر فراشناختی، انگیزشی و رفتاری، یادگیری خود را سامان می بخشند (زیمرن، مارتینز^۱ و پونز، ۱۹۹۰). اکثر الگوهای نظری انگیزشی پیشرفت^۲، باورهای افراد را عمده ترین و اصلی ترین تعیین گرهای رفتار پیشرفت می دانند. در واقع مفروضه ی همه این نظریه ها آن است که انتظارات افراد برای موفقیت و ادراک آن ها از توانایی انجام تکالیف مختلف نقش عمده ای در انگیزش و رفتار دارد. (دوئک و لگیت^۳، ۱۹۸۸؛ اعظمی رضائی نسب، ۱۳۸۹). انگیزش را به بیان ساده جهت و شدت تلاش فرد تعریف کرده اند، منظور از جهت تلاش، روشی است که در آن فرد قصد دستیابی به موقعیت های خاصی را دارد، و منظور از شدت تلاش مقدار کوششی است که از فرد سر می زند. البته این نوع انگیزش در تمامی فعالیت های انسانی به چشم می خورد ولی تعبیر آن بستگی به شرایط ویژه خود دارد (اسلاوین^۴، ۱۳۸۵؛ فتاحی، ۱۳۸۹) انسان ها برای دستیابی به اهداف، نیازها و غرایز خود، انگیزش لازم را کسب می نمایند. در خصوص جویندگان علم، انگیزه پیشرفت تحصیلی، از اهمیت خاصی برخوردار است. (یوسفی، قاسمی، فیروزنیا، ۱۳۸۸). سازه انگیزش پیشرفت تحصیلی به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت در مدرسه مربوط است اطلاق می شود. (عابدی، عریضی، سبحانی نژاد، ۱۳۸۴).

¹ Martinz² Dweck & legkeit³ Motivation Achievement⁴ Eslavin